

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به:

آنهایی که چگونه اندیشیدن را به من آموختند تا خود چگونگی اندیشه ها را بیاموزم.

و تقدیم به پدر عزیزم و مادر مهربانم؛

آنان که وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم همه مهر، آنان که راستی قامت در شکستگی قامتشان تجلی یافت. عزیزانی که سعادت و سرفرازی امروز را مدیون سالهای رنج و زحمت بی دریغشان هستم.

وبه ستارهٔ فروزان و همسر زندگی ام؛

مهربان وجودی که نسیم محبتش، آرامش وجود من و نوید بخش روزهای سبز آینده است و همراه سبز لحظه هایم که آسمان نگاه پر مهرش شوق پیمودن این راه را در من زنده کرد.

وبه برادران و خواهران عزیزم؛ به خاطر قلب پاک و وجود پر مهرشان.

تقدیر و تشکر:

«من له یفخر المخلوق له یفخر الخالق»

اینک که با استعانت از ایزد منان، انجام این پایانامه به پایان رسید، بر خود لازم می دانم که از اساتید محترم و کلیه کسانی که در انجام تحقیق، حقیر را کمک و راهنمایی نموده اند، تشکر و قدر دانی لازم را بنمایم. از استاد بزرگوارم **آقای دکتر نادر مختاری افرکتی** که با راهنمایی های ارزشمند شان و زحمت های بی دریغ خود همواره مشوق بنده بوده اند و با دقت و حساسیت فوق العاده در تصحیح و اصلاح و رفع مشکلات این رساله متقبل زحمت های فراوان شده اند، صمیمانه تشکر و سپاسگذاری می نمایم.

همچنین از استاد محترم و گرامی **حجت الاسلام والمسلمین امان الله علیمرادی**، استاد مشاور که در این تحقیق راهنمایی های ارزشمندی نموده اند صمیمانه تشکر و قدر دانی می نمایم.

در دوران آموزش این مقطع از محضر اساتید محترم جناب **آقای دکتر امیر حمزه سالارزائی** و جناب **آقای دکتر محمد صادق علمی** بهره علمی و اخلاقی فراوان برده ام و از این بزرگواران کمال قدر دانی را دارم.

و همچنین بر خود لازم می دانم، از زحمت های رئیس سابق دانشکده **مرحوم حجت الاسلام والمسلمین دکتر میر احمدی** و زحمت های رئیس کنونی دانشکده **حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی بیات مختاری** تشکر و قدر دانی صمیمانه به عمل آورم.

و از همه اساتیدی که از محضرشان کسب فیض کردیم و ثمرات امروز را مدیون تلاش آنان می باشم بسیار قدر دانم.

فهرست مطالب:

۱	بخش اول: کلیات و مفاهیم تحقیق
۲	مقدمه:
۳	فصل اول: ادبیات تحقیق
۴	گفتار اول: بیان مساله
۴	گفتار دوم: اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	گفتار سوم: اهداف تحقیق
۵	گفتار چهارم: روش تحقیق
۵	گفتار پنجم: سئوالات تحقیق
۶	گفتار ششم: سابقه تحقیق
۸	فصل دوم: مفاهیم و کلیات تحقیق
۹	گفتار اول: معنای لغوی ولایت
۱۰	گفتار دوم: ولایت در قرآن کریم و روایات اهل بیت(ع)
۱۰	گفتار سوم: تعریف ولایت شرعی
۱۲	گفتار چهارم: اقسام ولایت شرعی
۱۷	گفتار پنجم: معنای فقیه
۱۷	گفتار ششم: ولایت مطلقه فقیه
۱۸	گفتار هشتم: ارکان مسأله فقهی ولایت فقیه بر مردم
۱۹	گفتار نهم: ماهیت ولایت
۲۰	گفتار دهم: معرفی کتاب احکام السلطانیه
۲۲	نتیجه گیری
۲۳	بخش دوم: مشروعیت حکومت از دیدگاه شیعه و اهل سنت و مبانی آن
۲۴	مقدمه:
۲۵	فصل اول: مشروعیت در اندیشه سیاسی شیعه
۲۶	گفتار اول: مشروعیت حکومت و ولایت در عصر حضور
۳۲	گفتار دوم: مشروعیت حکومت و ولایت در زمان غیبت
۳۴	گفتار سوم: دلایل عقلی بر ولایت فقها در عصر غیبت
۳۵	گفتار چهارم: دلایل نقلی بر ولایت فقها در عصر غیبت
۳۵	حدیث اول
۳۶	حدیث دوم

حدیث سوم ۳۸

فصل دوم: شروعات حکومت و ولایت در اندیشه سیاسی اهل سنت ۳۹

- گفتار اول: بیان اولین مبنای مشروعیت ولایت ۴۰
- گفتار دوم: بیان دومین مبنای مشروعیت ولایت ۴۰
- گفتار سوم: نقد و بررسی دومین مبنای مشروعیت ولایت ۴۲
- گفتار چهارم: بیان سومین مبنای مشروعیت ۴۸
- گفتار پنجم: نقد و بررسی سومین مبنای مشروعیت ولایت ۴۹
- گفتار ششم: بیان چهارمین مبنای مشروعیت ولایت ۵۱
- گفتار هفتم: نقد و بررسی چهارمین مبنای مشروعیت ولایت ۵۳

فصل سوم: دیدگاه ها ماوردی در زمینه حکومت و ولایت ۶۱

- گفتار اول: نظریه خلافت از دیدگاه ماوردی ۶۲
- گفتار دوم: مشروعیت خلافت از دیدگاه ماوردی ۶۴
- گفتار سوم: شرایط خلیفه از دیدگاه ماوردی ۶۴
- گفتار چهارم: خلافت و وزارت از دیدگاه ماوردی ۶۷
- گفتار ششم: وظائف شهروندان در برابر خلیفه از دیدگاه ماوردی ۶۹
- گفتار هفتم: زوال قدرت خلیفه از دیدگاه ماوردی ۶۹
- نتیجه گیری ۷۱

بخش سوم: نظرات فقهای معاصر درباره ولایت فقیه ۷۳

مقدمه: ۷۴

فصل اول: دوره قاعده مندی نظریه ولایت فقیه ۷۵

- گفتار اول: بررسی ولایت فقیه در اندیشه مرحوم نراقی ۷۶
- الف. حیات جسمی و فکری نراقی ۷۶
- ب. اندیشه سیاسی نراقی ۷۷
۱. تشکیل جامعه ۷۹
۲. منشأ دولت و تأسیس جامعه سیاسی ۸۰
۳. دولت در عصر غیبت ۸۴
۵. مراتب حاکمان در عصر غیب ۸۸
۶. اندیشه سلطان عادل ۸۹
۷. رابطه دولت، جامعه و فرد ۹۱
۸. حدود حقوق جامعه و دولت ۹۳
۹. بررسی دیدگاه فقهی نراقی در ولایت ۹۳
۱۰. نظریات سید میر عبدالفتاح حسینی مراغی در باب ولایت فقیه ۹۶
- گفتار دوم: بررسی ولایت فقیه در اندیشه صاحب جواهر ۹۹
- الف: حیات جسمی و فکری صاحب جواهر ۹۹
- ب: اندیشه سیاسی صاحب جواهر ۱۰۰
- ج: بستر اندیشه های سیاسی صاحب جواهر ۱۰۰

- د: ادله صاحب جواهر برای ولایت فقیه..... ۱۰۱
- ۱- دلیل نقلی ۱۰۲
- ۲- دلیل عقلی ۱۰۳
- ۳- ضرورت ولایت عامه..... ۱۰۴
- ۴- پیوند فقه و امور اجتماعی - سیاسی..... ۱۰۵
- گفتار سوم: بررسی ولایت فقیه در اندیشه شیخ انصاری ۱۰۹
- الف: بررسی ولایت فقیه در کتاب مکاسب شیخ انصاری..... ۱۰۹
- ب: بررسی ولایت فقیه در کتاب خمس و زکات شیخ انصاری ۱۱۲
- ج: بررسی ولایت فقیه در حاشیه نجات العباد شیخ انصاری ۱۱۳
- گفتار چهارم: بررسی ولایت فقیه در دوره مشروطه(از محقق نائینی تا امام خمینی)..... ۱۱۷

فصل چهارم: دوره درخشش ولایت فقیه در میدان عمل و بررسی نظریات امام خمینی در این زمینه

- ۱۲۱.....
- گفتار اول: بررسی دیدگاه امام خمینی پیش از تبعید ۱۲۲
- گفتار سوم: بررسی دیدگاه امام خمینی پس از پیروزی انقلاب..... ۱۲۷
- نتیجه گیری ۱۳۲
- آزمون فرضیه ها: ۱۳۴
- نتیجه گیری کلی:..... ۱۳۷
- منابع و ماخذ ۱۳۹

چکیده

امروزه الگوی نظام حکومتی اسلام، در پرتو اصل ولایت فقیه در جهان بشری عموماً و در عالم سیاست خصوصاً شکل گرفته و این اصل نشانی کامل از استقلال، آزادی و پویایی اندیشه حکومتی اسلام را در خود دارد فلذا شایسته است که امت بزرگ اسلام، ماهیت آن را به دقت و درستی بیابند. غالب مسلمانان معتقدند که در زمان حضور پیامبر(ص)، خداوند حق حاکمیت و ولایت را به پیامبر(ص) واگذار کرده است و لیکن اختلاف عمده بر سر منبع یا منابع مشروعیت حکومت پس از پیامبر(ص) می‌باشد. بطوری که این موضوع باعث انشعاب در اسلام و پیدایش دو گروه شیعه و سنی در تاریخ اسلام شد.

در این پایان نامه، بررسی عمده روی دیدگاه برخی فقهای معاصر شیعه البته با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی زمان و نگرشی به فتاوی برخی از فقها و علمای عامه مخصوصاً قاضی ماوردی در باب مشروعیت حکومت و ولایت فقیه می‌باشد

با توجه به مطالب مطرح شده در این پایان نامه که به روش توصیفی و بررسی اسناد کتابخانه ای جمع آوری شده حاصل یافته های این پایان نامه این است که در مذهب شیعه اغلب فقهاء، قائل به ولایت عامه انتصابی فقیه شده اند و در مکتب اهل سنت هر چند عنوان ولایت فقیه را در کتابهای فقهی خود نیاورده اند، ولی در بحث امامت و حکومت، برخی از عالمان اهل سنت، شرائطی را همانند شرایطی که در کتابهای فقهی شیعه، برای ولی فقیه آمده است، برای حاکم ذکر کرده اند.

واژگان کلیدی: ولایت، فقیه، فقهای معاصر شیعه، احکام السلطانیه

بخش اول:

کلیات و مفاهیم تحقیق

مقدمه:

از آنجا که تبیین دقیق مبادی تصویری یک نظریه و بررسی مفاهیم کلیدی یک موضوع از مهم ترین بخش‌های هر پژوهش علمی است، با تحریر محلّ نزاع و تعیین موضوع گفت و گو و حدود و ثغور آن، بسیاری از شبهه‌ها و ابهام‌ها زدوده می‌شود و زمینه برای نفی و اثبات و بررسی ادلّه موافقان و مخالفان فراهم می‌آید، در غیر این صورت راه برای مغالطه، جدل، نزاع لفظی و دیگر آفات یک بحث علمی گشوده می‌شود و روی آوردن وسوسه‌ها و شبهه‌ها اجتناب ناپذیر است.

در این بخش که شامل دو فصل است در فصل اول ادبیات تحقیق و در فصل دوم ابتدا مفهوم لغوی ولایت، و کاربرد عرفی آن، به علاوه نظری به استعمال ولایت در قرآن و حدیث می‌افکنیم، آن گاه برای درکی روشن از مفهوم ولایت در فقه به استقرای اقسام ولایت شرعی در فقه و بیان معنای فقیه، ولایت مطلقه فقیه، امور حسبیه، ارکان مسأله فقهی ولایت فقیه بر مردم و بیان ماهیت ولایت و اصطلاح فقهای معاصر در آخر فصل دوم به معرفی کتاب احکام السلطانیه خواهیم پرداخت.

فصل اول:

ادبیات تحقیق

این فصل شامل شش گفتار است که در این شش گفتار به بیان مساله، اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف تحقیق، روش تحقیق، سئولات اصلی و فرضیات تحقیق و در گفتار آخر به سابقه تحقیق خواهیم پرداخت.

گفتار اول: بیان مساله

بحث پیرامون مساله ولایت فقیه از دورانی آغاز می‌گردد که فقه شیعه از حالت پراکندگی به صورت ثبوت و ترتیب در آمد و احکام مربوط به هر باب در جای خودش ثبت و ضبط گردید.

ولایت در لغت دارای معانی مختلفی است اما در این مبحث مراد از آن ولایت و زمامداری و مراد از فقیه مجتهد جامع الشرایط است نه هر کس که فقه خوانده باشد.

مساله ولایت فقیه اگر چه ریشه کلامی دارد ولی جنبه فقهی آن موجب گردیده تا فقها از روز نخست در ابواب مختلف فقهی از آن بحث کنند و موضوع ولایت فقیه را در هر یک از مسائل مربوط روشن سازند در باب جهاد و تقسیم غنائم و اخماس و اخذ و توزیع زکوات و سرپرستی انفال و نیز اموال قصر و غیبت و باب امر به معروف و نهی از منکر و باب حدود و قصاص و تعزیرات و مطلق اجرای احکام انتظامی اسلام فقها از مساله ولایت فقیه و گستره آن بحث کرده‌اند در طول تاریخ فقهات شیعه پیوسته این مساله مورد بحث و محط نظر فقهاء بوده است.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد دیدگاه برخی فقهای معاصر شیعه البته با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی زمان و نگرشی به فتاوی‌ای برخی از فقها و علمای عامه مخصوصاً قاضی ماوردی در باب مشروعیت حکومت و ولایت فقیه می‌باشد.

گفتار دوم: اهمیت و ضرورت تحقیق

۱) امروزه ولایت فقیه به عنوان یک اصل محوری در نظام حکومتی اسلام، موضوع مباحث عمیق و مفصلی قرار گرفته است، اما تحولات اجتماعی و ظهور مسائل جدید انجام مطالعات بیشتر در ابعاد گوناگون فقهی و حقوقی این مساله را ضروری کرده است.

۲) پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و قرار گرفتن ولایت فقیه به عنوان یکی از اصول رئیسه قانون اساسی و اهمیت آن به گونه‌ای که پایه و اساس اسلامیت نظام جمهوری اسلامی را می‌توان رکن ولایت فقیه دانست، ضرورت بحث و تحقیق پیرامون آن مساله را دو چندان کرده است.

۳) با توجه به استکبار ستیزی این نظام که نشأت گرفته از آموزه‌های ائمه طاهریین (ع) است و همچنین با توجه به تهاجم همه جانبه استکبار و ایادی آن به مبانی اعتقادی و فکری این نظام مقدس تبیین و تقویم و تنقیح مبانی فکری و عقیدتی آن از جمله اصل ولایت فقیه اصلی لازم و ضروری می‌نماید.

گفتار سوم: اهداف تحقیق

(۱) هدف اصلی در این پژوهش بیان دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت در باب مشروعیت حکومت و بررسی آراء آنهاست.

(۲) بهره‌گیری از نظرات دانشمندان اهل تسنن (ماوردی) در مسأله ولایت فقیه.

(۳) بیان نظرات برخی فقهای معاصر شیعه در زمینه ولایت فقیه.

گفتار چهارم: روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی با مراجعه به کتب تخصصی عربی و فارسی و سایر اسناد مربوطه سعی خواهیم کرد آراء بزرگان را مطرح کرده و شرایط تاریخی هر فقیه مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

گفتار پنجم: سئوالات تحقیق

هر پژوهشگر با پیدا شدن سئوالات و ابهاماتی در باره یک موضوع یا مسأله به دنبال تحقیق و پژوهش در باره آن موضوع و یافتن پاسخ‌های مناسب برای سئوالات خویش می‌رود و در واقع هر پژوهش علمی بر پایه یک سری سئوالات معین صورت می‌گیرد و مجموعه این سئوالات و پاسخ‌های آنها تشکیل دهنده محتوای تحقیق می‌باشد.

اما از آن جا که نمی‌توان تمام آن سئوالات را مطرح نمود و بیان تمامی آنها در طرح تحقیق غیر ممکن می‌باشد به همین دلیل باید به سئوالات اصلی تحقیق اکتفا نمود آن سئوالاتی که اصل و پایه تحقیق بر روی آن واقع شده است که این سئوالات عبارتند از:

(۱) حاکم بر چه مبنایی حق دارد به مردم امر و نهی کند و در شئون اجتماعی و سیاسی آنها تصرف نماید؟

(۲) مشروعیت حکومت و ولایت از دیدگاه شیعه و اهل سنت چه تفاوتی با هم دارند؟

(۳) از دیدگاه فقهای معاصر شیعه ولایت در عصر غیبت بر عهده چه کسانی است؟

فرضیات

(۱) بین دیدگاه شیعه و اهل سنت در مبحث مشروعیت حکومت و ولایت از این حیث که خداوند منشا و

مصدر اصلی مشروعیت است اتفاق نظر وجود دارد.

(۲) اختلاف نظر شیعه و اهل سنت در مورد حکومت و ولایت پس از پیامبر می‌باشد.

(۳) در مذهب شیعه اغلب فقهاء قائل به ولایت انتصابی عامه فقیه شده‌اند.

گفتار ششم: سابقه تحقیق

مضمون ولایت فقیه در قلمرو امور حسبیه، قضاوت، فتوا، اجرای احکام جزائی و کیفری آخرین مرتبه امر به معروف، اقامه برخی عبادات جمعی از قبیل نماز جمعه و عیدین، جمع آوری و مصرف مالیاتهای شرعی از آغاز تدوین فقه شیعه در آثار فقها به چشم می‌خورد.

اولویت تصدی و تصرف فقها از ابتدا در سه حوزه فتوا، قضاوت و امور حسبیه به اجماع پذیرفته شده است، به عبارت دیگر جواز تصرف فقیه در امور حسبیه، قضاوت و فتوا اجماعی است اما در دیگر موارد یاد شده در زمان غیبت بین جواز تصدی فقهاء و اختصاص این امور به عصر حضور معصوم بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد.

برخی مانند شیخ مفید در المقنعه معتقدند که تصرف در همه موارد یاد شده در عصر غیبت از جانب ائمه(ع) به فقهاء تفویض شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۷۶-۶۷۵) برخی دیگر از قبیل محقق حلی به جز در سه مورد فتوا، قضاوت و امور حسبیه معتقدند که شرط تصرف در سایر امور عصمت است لذا دلیلی برای جواز موارد یاد شده در عصر غیبت و تصدی فقهاء نداریم (حلی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۱۲) فارغ از دو فقیه بزرگ یاد شده که در دو سر طیف جواز و عدم جواز قرار می‌گیرند بسیاری از فقیهان برخی از این امور را از سوی فقیهان جایز التصدی و برخی دیگر را منوط به عصر حضور دانسته‌اند.

اصطلاح ولایت فقیه در مجموع منابع و علوم اسلامی، نخستین بار توسط شهید ثانی در کتاب مسالک الافهام در بحث قضاوت استعمال شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۳۹۵) چند سال قبل از وی محقق کرکی فقیه بزرگ عصر صفوی قائل به توسعه قلمرو و اختیارات فقهاء در عصر غیبت می‌شود. محقق اگر چه به تدبیر سیاسی و زعامت جامعه تصریح نمی‌کند و در زمینه اختیارات فقیه از ذکر موارد یاد شده پا فراتر نمی‌گذارد لکن عبارتی عام دارد که تاب چنین استفاده‌ای دارد.

اصحاب ما اتفاق دارند که فقیه عادل امامی جامع شرایط فتوی که از او به مجتهد در احکام شرعی تعبیر می‌شود در حال غیبت در همه آنچه نیابت در آن دخیل است نایب ائمه می‌باشد... (عاملی کرکی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۴۲).

اگر چه نراقی یکایک وظایف فقها در عصر غیبت را به تفصیل مورد بحث استدلالی قرار می‌دهد اما متأسفانه به وظیفه انتظام امور دنیایی مردم، جز در مقدمه، کمترین اشاره‌ای نمی‌کند.

پس از نراقی ولایت فقیه به این معنای عام به شدت مورد بحث فقها واقع شده است، فقها در این مساله دو دسته می‌شوند، دسته‌ای رای ملا احمد نراقی را در ولایت عام فقیه نپذیرفته‌اند و مدعی می‌شوند ادله فقهی از اثبات چنین

وظیفه‌ای عاجز است شیخ انصاری در مکاسب (انصاری، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۳۴).

در مقابل دسته دیگری از فقها با تعمیم و گسترش نظر نراقی، قائل به ولایت عامه فقیه و زعامت سیاسی او در عصر غیبت می‌شوند. شیخ محمد حسین نجفی صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۹۵ق، ج ۲۱، ص ۳۹۷). آیت الله سید محمد حسین بروجردی (بروجردی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۲-۵۳). و امام خمینی (خمینی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۶۵۴-۶۱۷). از مهمترین قائلان به ولایت فقیه به این معنی هستند، امام خمینی چه در زمینه نظری و چه در زمینه عملی در این باب صاحب ابتکار هستند، به لحاظ نظری ایشان ولایت فقیه را از ولایت عامه به ولایت مطلقه ارتقاء دادند و به لحاظ عملی ایشان نخستین فقهی هستند که تشکیل حکومت داد و عملاً به زعامت و رهبری سیاسی جامعه پرداخت (کد یور، ۱۳۷۸ش، ص ۱۰۷-۱۰۰).

در مورد ولایت فقیه کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. چه در مباحث فقهی علما در کتاب البیع ایشان و چه کتابهایی که به صورت مستقل در این زمینه نوشته شده و یا رساله‌هایی که برای درجه کارشناسی ارشد یا دکتری نوشته شده، که از آن جمله می‌توان به کتاب ولایت فقیه آیت الله معرفت، پیرامون وحی و رهبری جوادی آملی، مبانی فقهی آیت الله منتظری و پایان نامه آقای محسن کریمی در مورد بررسی مقایسه‌ای نظریه حکومت اسلامی از دیدگاه مرحوم نائینی و امام خمینی اشاره کرد، ولی در مورد بررسی و مقایسه آراء علمای شیعه با علماء اهل تسنن و ماوردی که در این زمینه صاحب نظریه می‌باشد کتاب یا مقاله‌ای مشاهده نکردم.

فصل دوم:

مفاهیم و کلیات تحقیق

این فصل شامل یازده گفتار است که ابتدا مفهوم لغوی ولایت، و کاربرد عرفی آن، به علاوه نظری به استعمال ولایت در قرآن و حدیث می‌افکنیم، آن گاه برای درکی روشن از مفهوم ولایت در فقه به استقرای اقسام ولایت شرعی در فقه و بیان معنای فقیه، ولایت مطلقه فقیه، امور حسبیه، ارکان مسأله فقهی ولایت فقیه بر مردم و بیان ماهیت ولایت و اصطلاح فقهای معاصر در آخر فصل دوم به معرفی کتاب احکام السلطانیه خواهیم پرداخت.

گفتار اول: معنای لغوی ولایت

واژه ولایت و دیگر مشتقات آن در معانی متعددی استعمال شده‌اند، مهمترین معنای ولایت عبارتند از:

اول: نصرت و یاری، دوم: محبت، سوم: تصدی امر و تسلط و سیطره و سلطنت و امارت در هر یک از این سه معنا نوعی اتصال، مباشرت و مقاربت به چشم می‌خورد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۰۶).

«ولایت را در تلفظ به فتح «واو و کسر «واو هر دو می‌توان خواند و از نظر معنا، علاوه بر این که به مفهومی مصدری اشاره دارد، از امارت و فرمان‌روایی نیز به عنوان یک حرفه و شغل حکایت می‌کند. و همین امارت و تدبیر از معانی و مفاهیمی است که اهل لغت برای «ولایت بر شمرده‌اند. علاوه بر این دو معنا، معانی دیگری که در فرهنگ‌های لغت برای «ولایت به چشم می‌خورد عبارت‌اند از: محبت، نصرت، سلطان، قیام به امر خطه و موطن هر کس. و از آن جا که ریشه اصلی واژه با همان معنا و «موضوع له لغوی، به نوعی در تمامی این معانی ملحوظ است، نمی‌توان معانی شمرده شده بالا را از سنخ مشترک لفظی دانست (همان، ص ۴۰۰-۴۰۲).

علاوه بر صراحتِ گفتار لغت نویسان در معنای ولایت و این که امارت و تدبیر از معانی ولایت است، مراجعه به متون اصیل عربی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که کاربرد ولایت در طی امارت و حاکمیت سیاسی، گسترده‌گی و شیوع خاص دارد، به طوری که ادعای انصراف «ولایت به امارت و تدبیر، گزاف نیست. مگر آن که قرینه و قیدی مانع انصراف باشد. به عنوان نمونه «ابن قتیبه در «الامامة و السياسة از زمامداری حاکمان به «ولایت تعبیر می‌کند؛ مثلاً می‌گوید:

ولایة عمر بن الخطاب «خلیفه دوم و یا می‌گوید: ولایة الولید، ولایة الحجاج، ولایة یزید بن عبدالملک، ولایة هشام بن

عبدالملک (ابن قتیبه، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۸؛ ج ۲، ص ۷). طبری و ابن اثیر نیز مکرراً برای امارت و حاکمیت سیاسی، از

واژه «ولایت بهره می‌گیرند و عنوان‌هایی مثل: ولایة عبدالله بن عامر، ولایة زیاد، ولایة مروان بن محمد، نمونه فراوان

دارد و در تمامی این موارد، معنای ولایت، همان امارت و سرپرستی دولت است (تاریخ طبری، بی تا ج ۴، ص ۱۳۰ و

ص ۱۶۴؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۵۵ و ج ۳، ص ۸۹ و ۱۸۴).

گفتار دوم: ولایت در قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)

در قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) نیز «ولایت معنای لغوی خویش را حفظ کرده است و بدون آن که دارای حقیقت شرعی باشد، در همان مفاد و محتوای عرفی به کار می‌رود. و در بسیاری از استعمالات که در آیات و روایات شاهدیم، واژه ولایت و واژه‌های دیگری که با او از یک ریشه گرفته شده‌اند مثل ولیّ، والی و مولی استفاده می‌شوند، و منظور از آن‌ها ولایت تدبیری و تنظیمی است؛ مثلاً در آیه ولایت: «أَنتُمْ وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ (مائده «۵ آیه ۵۵). به اعتقاد مفسران شیعه، منظور از ولیّ، تدبیر و اولویت در تصرف است (طباطبائی، ۱۳۷۷ ج ۶، ص ۱۱-۱۲). در روایت متواتر غدیر نیز این معنا را از پیامبر اکرم (ص) شاهدیم: «من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه (کلینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۸۹).

نمونه دیگر برای این حقیقت، نهج البلاغه است، آن جا که می‌فرماید: «ولهم «آل محمد (ص) خصائص حق الولاية (شهبیدی ۱۳۷۹ ش، ص ۳۳۳). و در جای دیگر: «والله ما كانت لي في الخلافة رغبة ولا في الولاية اربة (همان، خطبه دوم، ص ۴۷). در خطبه‌ای دیگر در اشاره به موضوع مهم حقوق متقابل جامعه و دولت اسلامی می‌فرماید: «حق الوالی علی الرعیة و حق الرعیة علی الوالی (همان، خطبه ۲۱۶، ص ۳۳۳). در حدیث سایر امامان معصوم نیز وقتی از ولایت سخن به میان می‌آید، انصراف به ولایت تدبیری و تنظیمی ایشان دارد. مثل روایت مشهور: «بنی الاسلام علی خمسة اشياء: علی الصلوة و الزکوة و الحج و الصوم و الولاية (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۷-۸). در کتاب الحجّه اصول کافی، دو باب را با این عنوان شاهدیم: «باب فيه نکت و نتف من التنزیل الولاية و «باب فيه نتف و جوامع من الروایة فی الولاية (کلینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۱۲ و ۴۳۱). در این دو باب روایاتی وجود دارد که در آن‌ها «ولایت بدون هیچ قرینه‌ای به معنای ولایت تدبیری و تنظیمی است، به علاوه خود کلینی نیز در این دو عنوان، ولایت را بدون قید و به صورت مطلق برای ولایت تدبیری و تنظیمی به کار می‌برد.

گفتار سوم: تعریف ولایت شرعی

با وجود این که در باب‌های گوناگون فقهی از طهارت تا قصاص و دیات با عنوان «ولایت مواجهیم، غالباً تعریف علمی جامع و مانع از این مفهوم برای روشن شدن ماهیت شرعی آن، به وضوح لغوی و کاربرد عرفی آن واگذار می‌شود تنها در برخی از نوشتارهای معاصران، به این نکته پرداخته شده است که نمونه‌های مفیدتر آن را در این جا می‌آوریم:

۱- الولاية هي الامارة والسلطنة علی الغير فی نفسه او ماله او امر من اموره (یزدی، ۱۴۲۵ ق، ج ۳، ص ۲).

۲- کون زمام امر شیء او زمام شخص بید شخص اخر بحيث يمكنه التصرف في ذلك الامر و في ذلك الشخص من اراد و شاء (تبریزی، ۱۳۷۷، ص ۱۶-۱۷).

۳- سلطه مقررّه لشخص تجعله قادراً على القيام باعمال قانونية تنفذ من حق الغير (شفیق غربال، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۹۶۲).
تأمل در تعریف‌های فوق، راهنمایی مفید برای درک ماهیت ولایت فقهی است و نشان می‌دهد همان محتوای لغوی و مفاد عرفی است که در این جا به قالب اصطلاح ریخته شده است. بررسی و داوری درباره این تعریف‌ها موکول به بحث‌های مفصل است، ولی به نظر می‌رسد برای این که بهتر به گوهر مفهوم ولایت شرعی و لوازم و ارکان آن، پی ببریم، جست و جو و استقرای موارد ولایت شرعی در فقه بهترین روش است.

گفتار چهارم: اقسام ولایت شرعی

۱- ولایت بر تجهیز میت: تغسیل، کفن و دفن میت واجب کفایی است که با اذن و نظارت اولیای میت انجام می‌پذیرد. شارع مقدس این ولایت را برای وارثان میت جعل کرده است. که مباشرتاً یا تسبیحاً می‌توانند اعمال ولایت نمایند (نجفی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۳۱).

۲- ولایت بر فرایض عبادی میت: نماز و روزه‌ای که میت موقت به انجام آن نشده است، باید جبران شود. ولایت در انجام این وظیفه بر دوش ارشد پسران میت است، او مباشرتاً یا تسبیحاً به این وظیفه می‌پردازد (همان، ج ۱۷، ص ۳۵).

۳- ولایت بر برده: برده «بنده یا کنیز ملوک‌اند و ولایت در شئون مربوط به ایشان، حق مالک است و هر گونه تصرف مالی و غیر مالی در ازدواج، طلاق، نذر، اعتکاف، و غیره با اذن مالک انجام می‌گیرد، محدوده این ولایت فرامین الهی است (همان، ج ۱۷، ص ۱۷۵).

۴- ولایت بر دارایی فرزند نابالغ: حفظ اموال کودکان خردسال، نیازمند سرپرست است تا این اموال را در مصالح طفل به کار گیرد. ولایت و سرپرستی این مهم، بر دوش پدر و جد پدری است. شعاع این ولایت، امور مالی و مرتبط با اموال را شامل می‌شود؛ مانند: خرید و فروش و ازدواج. خارج از این شعاع، ولایت مورد تردید است (همان، ج ۱۷، ص ۲۳۴-۲۳۸).

۵- ولایت بر همسر: با پیمان ازدواج، حقوقی بین زوجین پدید می‌آید و ادامه این پیمان در گرو پای بندی به این حقوق است، از جمله، ولایتی است که زوج بر پاره‌ای از شئون زوجه مثل خروج از مسکن، اعتکاف و نذر دارد (همان، ج ۱۷، ص ۳۵).

۶- ولایت بر بالغه رشیده: بر امر ازدواج بالغه رشیده اگر باکره باشد، پدر و جد پدری ولایت دارند، گروهی از فقیهان هم ازدواج او را مشروط به اذن پدر و جد، همراه با رضایت خودش می‌دانند (همان، ج ۱۶، ص ۱۰۱-۱۰۵).

۷- ولایت وصایت: وصایت، ولایت بر دارایی میت است که با انشای موصی و پذیرش وصی پدید می‌آید: وصی مکن است یک نفر یا بیش از یک نفر باشد. بلوغ، اسلام و حریت از شرایط وصی است. زنان نیز می‌توانند این ولایت را بپذیرند. این ولایت همزمان با درگذشت موصی و پذیرش وصی آغاز می‌شود. در صورت اثبات خیانت، حاکم شرع، وصی را برکنار و امین را جایگزین می‌کند. وصی یا مستقیماً و یا تحت شرایطی به کمک وکیل به اعمال ولایت می‌پردازد. وصی حق انشای ولایت وصایت برای شخص دیگر ندارد (همان، ج ۲۸، ص ۲۷۷).

۸- ولایت قیمومت: قیمومت، ولایتی شرعی برای سرپرستی کودکان نابالغ پس از مرگ پدر و جد پدری است. این ولایت با نصب قیم توسط پدر و جد مشروعیت دارد و حق نصب قیم برای دیگر بستگان وجود ندارد (همان، ج ۲۸،

ص ۴۴۰).

۹- ولایت حضانت: حفظ و نگه داری و تربیت نوزاد نیازمند سرپرستی و ولایت است. شارع این ولایت را که به آن حضانت گویند تا دو سال نسبت به نوزاد پسر و تا هفت سال نسبت به فرزند دختر به مادر نوزاد واگذار می‌کند اگر مادر با غیر پدر ازدواج کرد، ولایت او به پدر نقل می‌یابد (شهید ثانی، ش ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۰).

۱۰- ولایت قصاص: هرگاه قتل عمدی رخ داد، وارثان مقتول ولایت بر قصاص دارند. صغیر نیز اگر وارث مقتول باشد، دارای این ولایت است، گرچه تا پیش از بلوغ ممنوع از اعمال قصاص است. ولی صغیر بر این ولایت، ولایت ندارد (نجفی، ۱۴۰۲ق، ج ۴۲، ص ۲۸۲).

۱۱- ولایت کودکان سرراهی: بی تردید کودکی را که سر راه می‌نهند، نیازمند سرپرستی و حضانت است. در صورت وجدان پدر و مادر، حق حضانت مربوط به آن دو است و الا شارع این حق را به یابنده طفل «ملتقط سپرده است و کسی حق گرفتن کودک «لقیظ را از او ندارد» (همان، ج ۳۸، ص ۱۹۲).

۱۲- ولایت اوقاف: حق نظارت و سرپرستی بر اموال وقفی، نوعی دیگر از ولایت است که واقف برای اشخاص مورد نظر می‌تواند جعل و اعتبار کند. سرپرست وقف را «متولی می‌نامند و محدوده اختیارات او وابسته به تعیین واقف و یا موکل به عرف است. متولی به تنهایی یا با کمک افرادی که بر می‌گزینند به وظایف قانونی خود می‌پردازد و حق تفویض و نصب متولی دیگر را ندارد. بنابر این هرگاه ناظر خاص و منصوب از طرف واقف وجود نداشت، حاکم شرع متولی وقف می‌باشد» (شهید ثانی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۰).

۱۳- ولایت قضا: داوری میان مردم و فیصله دعاوی، منصبی ولایی است و قاضی عهده دار این سمت است. چون ولایت قضا «بالاصالة از ابعاد ولایت تشریحی پیامبران و اوصیای ایشان است، پس در عصر حضور عنصر عصمت، ولایت قضا در اختیار ایشان باید باشد. در عصر غیبت ولایت قضا «بالنیابة به فقیه جامع الشرایط سپرده می‌شود و داوری غیر فقیه یا غیر مأذون از فقیه، نامشروع و غیر نافذ است. انتخاب مردم برای گزینش قاضی مشروعیت آور نیست، مگر آن که طرفین دعوا، فقیه دارای شرایط لازم برای قضاوت را به عنوان قاضی تحکیم انتخاب کنند، در این صورت حکم او نافذ و باید هر دو به آن گردن نهند، چنان که در سایر قضات چنین است و نقض حکم قاضی به حکمی دیگر یا فتوایی دیگر، به جز موارد استثنایی، جایز نیست» (نجفی، ۱۴۰۲ق، ج ۴۰، ص ۲۳ و ۲۴).

۱۴- ولایت امور حسبیّه: حسبه در میان اهل سنت و وظیفه‌ای دینی، به عنوان امر به معروف و نهی از منکر، برای مراقبت از مصالح عمومی اجتماعی و جلوگیری از منکر و تجاوز به حقوق مردم و تخلف از قانون، و از وظایف دولت شمرده می‌شود (ابن خلدون، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳۵).